

شرق

در پی وقوع بارش‌های زمستانی اخیر، سیل مناطق گسترده‌ای از جنوب استان کرمان را فراگرفته است. عکس: ایوبزر احمدی‌زاده، ایرنا



گزارش

اتوبوس خواب‌ها الان کجا می‌خوابند؟

«اوایل خوب بود بعدا هرکی هرکی شد، درست حسایی تمیز نمی‌کنن، یو گنبد میهد، ۱۰ تا مرض هم می‌گیریم بعدم وسایلتو می‌گیرن نمی‌دن؛ حتی بعضی وقتا بعضیا کتک می‌زنن و جیبتو می‌زنن». این اظهارنظر یکی از اتوبوس‌خواب‌هایی است که در ماه گذشته موضوع‌شان به خبری داغ در کشور تبدیل شد. ماه گذشته بود که چند رسانه از پدیده اتوبوس‌خوابی خبر داده بودند. شهروندانی که شب‌ها در اتوبوس‌هایی که داخل شهر تردد می‌کنند، می‌خوابند و با چند بار اتوبوس عوض‌کردن شب‌ها را به صبح می‌رسانند. اتوبوس‌خوابی البته پدیده جدیدی نیست. اوایل راه‌اندازی سامانه اتوبوس‌های تندرو در تهران هم اگر نیمه‌شب‌سی سوار اتوبوس‌های خط راه‌آهن تجریش می‌شدید، مردان و زنانی را می‌دیدید که در اتوبوس‌ها می‌خوابند. با رسیدن به ابتدا یا انتهای مسیر بساطشان را جمع می‌کردند و سوار خورش بعدی می‌شدند. اینها اغلب معتادها و کارتن‌خواب‌های بی‌پرنایه بودند که برای فرار از سرمای زمستان به اتوبوس‌ها پناه می‌بردند. اما پدیده اتوبوس‌خوابی جدید دامن‌اش گسترده‌تر شده بود. سیداحمد علوی، عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران در واکنش به پدیده اتوبوس‌خوابی گفته بود افرادی هستند که دیگر توانایی پرداخت اجاره را ندارند و برای همین به اتوبوس‌ها پناه آورده‌اند. البته

که پاسخ به مسئله اتوبوس‌خوابی از سوی مسئولان شهری کاملا قابل پیش‌بینی بود. آنها به‌جای حل مسئله فضای اتوبوس‌ها را از ساکنان شب‌ها گرفتند. مهدی چمران که ابتدا با انکار ماجرا گفته بود: «کسی که در اتوبوس خوابیش برده را نمی‌شود کاریش کرد»، کار را به جایی رساند که به شهردار التیماتوم یک‌هفته‌ای داد که «سپات اتوبوس‌خوابی» را جمع کند. این جمع‌کردن بساط همان حل مسئله به شیوه پاک‌کردن صورت‌مسئله است. به‌این‌ترتیب گروه‌های آسیب‌پذیر و نیازمند حمایت در سطح شهر پخش می‌شوند و بازهم مسئله به جای خود باقی است. در این میان بسیاری از وجود گرمخانه‌ها هم برای اسکان این افراد یاد کرده‌اند. یکی از اتوبوس‌خواب‌ها در دیالوگی که در ابتدای گزارش آمد، علت عدم استقبال از گرمخانه‌ها را بیان کرد. سپیده علیزاده، مسئول مددسرای بانوان میدان شوش هم هفته گذشته به خبرگزاری ایسا توضیحاتی درباره این عدم استقبال داد. وی در پاسخ به اینکه چرا برخی افراد بی‌خانمان به گرمخانه‌ها مراجعه نمی‌کنند، می‌گوید: افرادی که به گرمخانه نمی‌آیند، به دلیل این است که گرمخانه‌ها «تفکیک جنسیتی» دارند. افرادی هستند که به همراه همسر و فرزندشان یا به همراه شریک عاطفی‌شان کارتن‌خواب هستند و گرمخانه‌های متناسب با حال‌و‌روز خانواده‌ها و شرایط افراد نیست. معتادان در آن تردد کنند.

چهره هفته

امام جمعه گچساران با این اظهارنظر «چهره هفته شرق» شد

اسب‌دوانی زن موجب چشم‌چرانی می‌شود



از چنین اقداماتی جلوگیری کنند و امیدواریم کسانی که بنای این موارد را گذاشته‌اند توبه کنند. رقیب او در رفسنجان بود که درباره دوچرخه‌سواری زنان اظهارنظرهایی کرده بود و البته اواسط هفته از موضع خود بازگشت و گفت که دوچرخه‌سواری زنان حرام نیست؛ اما علاوه بر اظهارنظر این امام‌جمعه، خطیب نماز‌جمعه گچساران هم اظهارنظر جنجالی‌ای داشت. حجت‌الاسلام حجازی، امام‌جمعه گچساران گفت: اسب‌دوانی زن در منظر نامرحم که تهییج می‌کند و چشم‌چرانی می‌شود، حرام است و این دولت و آن دولت هم ندارد، متأسفانه بنای بدی گذاشته شد و عزیزان حتما

در هفته گذشته اظهارنظرهای چند امام‌جمعه واکنش‌های فراوانی به همراه داشت. یکی امام‌جمعه رفسنجان بود که درباره دوچرخه‌سواری زنان اظهارنظرهایی کرده بود و البته اواسط هفته از موضع خود بازگشت و گفت که دوچرخه‌سواری زنان حرام نیست؛ اما علاوه بر اظهارنظر این امام‌جمعه، خطیب نماز‌جمعه گچساران هم اظهارنظر جنجالی‌ای داشت. حجت‌الاسلام حجازی، امام‌جمعه گچساران گفت: اسب‌دوانی زن در منظر نامرحم که تهییج می‌کند و چشم‌چرانی می‌شود، حرام است و این دولت و آن دولت هم ندارد، متأسفانه بنای بدی گذاشته شد و عزیزان حتما

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲ بهمن ۱۴۰۰ • ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ • ۲۲ ژانویه ۲۰۲۲

سال نوزدهم • شماره ۴۲۰۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۶ • اذان مغرب ۱۷:۲۱

اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۱۰

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا

نور نوشت 

هفته‌نوشت

صدایی در میان صداهای جهان



الهام فخاری
روان‌شناس و کنشگر فرهنگی

هفته گذشته برای بررسی تازه‌های نشر و یافتن کتابی تازه به کتاب‌فروشی سرر زدم و چند کتابی برداشتم. به گمانم بیش از پرداختن به روزمره‌های مناسبتی چه‌بسا در هنگامه تک‌گویه‌ها، بریده‌نماهای فضای مجازی و پراکندگی‌های شناختی این روزها، بازگویی یک نوشته منسجم بتواند رهیافت‌هایی برای وضعیت‌کنونی‌مان فراهم آورد. در میان سرچسته‌های گوناگون تخصصی و عمومی کتاب «دانش محلی» از کلیفورد گیرتس، انسان/مردم‌شناس برگردان دکتر محسن ثلاثی چاپ ۱۴۰۰ که به پدیده‌های فرهنگی به‌مثابه نظام‌های معنابخش پرداخته، پنجره‌ای سودمند برای بازاندیشی در برداشت‌هایمان می‌گشاید. این نوشته ۴۴۰ صفحه‌ای که از سوی نشر ثالث چاپ شده، برگردان گردآوردی از نوشته (مقاله/رساله)‌های نویسنده، یک مردم‌شناس با رویکرد تفسیری است. ساختار کتاب دربردارنده پیش‌درآمد و سه بخش و در هر بخش مقاله‌هایی هم‌پیوند است. گیرتس کشیده‌ای است در آغاز با بازنمایی پیش‌انگاره‌های خود پنجره‌ای را که از آن به موضوع‌ها و مسئله‌ها می‌پردازد، بازگو کند تا خواننده بداند او با چه دیدگاه فلسفی از کجا به چه موضوع‌هایی می‌پردازد. او پدیده‌های فرهنگی را نظام‌هایی معنابخش می‌داند و یادداشت‌های خود را در پی نوشته پیشینش «تفسیر فرهنگ‌ها» سازمان‌دهی می‌کند. نویسنده می‌کوشد با پرداختن به برجستگی و ارزشمندی «فهم‌فهم» و «فهمیدن فهم‌هایی که از آن ما نیستند» شناخت شناخت و بایستگی مهارت تفسیر برداشت یکدیگر را پررنگ کند. «فهم‌فهم» را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین کلمه‌شده‌های جهان پردرگیری و دریافتن «فهم دیگران» از جهان را راه جمله کنشکنش‌های آدم‌ها پرشمرد. نویسنده کتاب از جمله گرفتاری‌های جهان امروز را کورمال‌کورمال رفتن در بی‌دانشنتی‌ها، ناسرراستی برهان‌ها و زبان ناروشن می‌داند که ما را با دو گرفتاری ناروشن‌بودن آغاز و پوشیده‌بودن انجام (مقصد) روبه‌رو ساخته‌اند. آنچه گیرتس در زمینه مردم‌شناسی بازگو می‌کند، در چارچوب‌های پرانگنده برگرفته از دانش/شناخت بومی است. او در جای‌جای نوشته دیدگاه فیزیک اجتماعی و فن‌زدگی اثبات‌گرایانه در جامعه‌شناسی را نقد می‌کند. او به‌طور فراتر از دسته‌بندی‌های دانش‌پژوهانه‌ای مانند زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، فیزیکس و مانند اینها، مسأ باید به اندیشه آدم‌ها بیرون از این چارچوب‌های نظام‌مند و به گمان من چه‌بسا حتی به نوشته‌های فضای مجازی هم بپردازیم تا بتوانیم به فهم فهم دست پیدا کنیم. بخش نخست کتاب بیشتر بر برهان‌پردازی و واگویی نمونه‌هایی در این راستا پاشش‌اری دارد و به دریافتی دیگر از کار برگرداندن (ترجمه) نوشته‌ها اشاره کرده است. او کارکرد برگرداندن (ترجمه) نوشته‌ها از زبانی به زبان دیگر را چارچوب‌بندی دوباره مقوله‌هایی از آن خودها، یا از قوم‌هایی دیگر به‌گونه‌ای که به فراسوی محیط‌هایی که از آنها برخاسته و از آنها معنا گرفته‌اند، راه ببرند،

می‌دانند. از این دیدگاه دریافت (ادراک) ما از خود، از دیگران یا از خودمان در میان دیگران از چند خاستگاه اثر می‌پذیرند. این خاستگاه‌ها همانا افزون بر چارچوب‌های فرهنگی خودمان، برگرفته از چارچوب‌های واگوکننده (توضیفی) مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان، منتقدان و تاریخ‌پژوهان هم هستند. ما بر پایه بازخورد (نگرش) مان به آدم‌ها و کارها و چیزها در اکنون و در اینجا و همچنین بازخورد (نگرش) دیگران در جاهایی دیگر و با زندگی‌هایی ناهمانند با زیستن ما، خود و دیگران را می‌شناسیم و به این دریافت‌ها سروسامان می‌دهیم. به‌ویژه این تفسیر گیرتس که در ۱۹۸۳ نگاشته شده، در جهان دگرگون‌شده از فضای مجازی کنونی ارزشی دوچندان می‌یابد. چنین تفسیری از دانش و آگاهی ما گویای این است که گرایش‌ها و باورهای ما چقدر و هم‌هنگام به عامل‌های گوناگونی وابسته است. افزون بر این چارچوب‌ها باید فناوری نوین ارتباطی و اطلاعاتی در دهه کنونی را هم به عامل‌ها افزود. در بخش میانی این نوشته به «عقل سلیم»، «هنر» و «فره (کارزیمی)» به‌مثابه نظام‌های فرهنگی پرداخته شده است. با اینکه به باور بسیاری عقل سلیم پدیده فرهنگی به‌شمار نمی‌آید، ولی گیرتس آن را، ادراک واقعیت ساده به‌گونه‌ای ساده و نظامی فرهنگی بازشناسی می‌کند. از این دیدگاه هنر هم دربار پدیده‌های دسترس‌ناپذیر (اثرها یا یارویه‌های هنری ازمیان‌رفته گذشته) و هم پدیده‌های در دسترس کنونی نظامی فرهنگی به‌شمار می‌رود. نویسنده دو رویکرد به چگونگی اندیشیدن، شناخت و دانش (آگاهی و شناخت سازمان‌دهی‌شده) را بازگو کرده: اندیشه در سر (روان‌شناختی/شخصی) و اندیشه در جهان (شناخت در بافت و تعامل گروهی در بستر تاریخ) را واگو و تفسیر خود را در این موضوع بازشناسی می‌کند. بخش آخر کتاب هم به بازشناسی مفهوم قانون، واقعیت، پیوند میان این دو و ناهمانندی‌های بافتی و اجتماعی در میان کشورهای گوناگونی‌که او پژوهش مردم‌شناسی انجام داده، پرداخته شده است. او باور دارد که ما باید پیام‌وزیم که به خودمان چنان بنگریم که دیگران ما را نگاه می‌کنند تا شناخت ما از خود درست‌تر باشد. به سخن دیگر دیدن خودمان در میان دیگران، به‌مثابه موردی بومی در میان موردهایی دیگر در جهان گسترده را از ما می‌خواهد.

گرچه گیرتس بر دانش بومی و گوناگونی درجه‌های شناخت پافشاری می‌کند ولی باور دارد ما به چیزی بیش از دانش بومی، به شیوه‌ای برای گردآوری گزارش‌های وابسته و روشن‌نگرکردن گونه‌های گوناگون دانش و شناخت‌های یکدیگر نیاز داریم تا بتوانیم با واقعیت‌های بزرگ روبه‌رو شویم و دوری‌گزینی نکنیم. «دانش محلی» نوشته‌های است که ما را با این پرسش‌ها وامی‌گذارد: چگونه از پس چالش‌ییدارکردن خودمان از راه رفتن و زیستن در میان دیگرانی ناهمانند و گوناگون برمی‌آییم؟ این‌همه ناهمانندی و رودررویی بر شناخت ما از خودمان چه اثری می‌گذارد و از ما چه برجا می‌ماند؟ اکنون که کسی دیگری را به حال خود وانمی‌گذارد و در آینده هم نخواهد گذاشت، آیا همه دارند به هم نزدیک می‌شوند یا نه. آدم‌ها یا جامعه‌ها/قوم‌ها از یکدیگر دور می‌شوند؟ این پرسش‌ها در جهان چندلایه ارتباط‌های مجازی دوچندان برجسته هستند و باید پاسخی برای آنها یافت.

زیر آسمان جهان

به اولاف شولتس داد. مرکل اکتبر ۲۰۱۸ در کنوانسیون حزبی اعلام کرده بود از مقام رهبری اتحادیه دموکرات مسیحی کناره‌گیری می‌کند و در انتخابات فدرال ۲۰۲۱ آلمان دیگر نامزد مقام صدراعظمی نخواهد شد. این سیاست‌مدار آلمانی به برنامه‌های آینده خود اشاره‌ای نکرد اما در گذشته اعلام کرده بود پس از پایان دوران صدراعظمی به دنبال نقش سیاسی دیگری نخواهد رفت. وی قبل از آنکه در سال ۲۰۰۰ رئیس حزب محافظه‌کار اتحادیه دموکرات مسیحی آلمان شود، اول وزیر خانواده و زنان و سپس وزیر محیط زیست این کشور شد. مرکل در سال ۲۰۰۵ به‌عنوان اولین صدراعظم زن آلمان انتخاب و در ۱۶ سال صدارت خود با بحران‌های متعددی چون بحران مالی جهانی، بحران پد‌هی‌های اروپا، مهاجرت‌های دسته‌جمعی به اروپا از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ و همه‌گیری کرونا روبه‌رو شد.

یادداشت

ایرنگ‌هایی که باز نشد، مردانی که از شرم فرو ریختند



سامان موحدی‌راد

● ۵۹ خودرو در جاده بهبهان به هم خوردند. تصاویر این تصادف وحشتناک است. خودروهایی که از زوایای مختلف به هم خورده‌اند. از هم بالا رفته‌اند و وضعیت بدی را ایجاد کرده‌اند. چند روز بعد از این تصادف وحشتناک معلوم شد که ایربگ هیچ‌کدام از خودروها باز نشده است. سال‌هاست که در ایران مردم برای داشتن خودروی با کیفیت بالاتر تلاش می‌کنند. گاهی کمپین‌های مردمی تشکیل می‌دهند و گاهی در شبکه‌های اجتماعی اعتراض می‌کنند. اما نتیجه همیشه به یک شکل است. خودروی داخلی بی‌کیفیت و با قیمت بالاتر در اختیار مردم قرار می‌گیرد. در شرایط غیرقابتی وقتی دو تولیدکننده بزرگ خودرو مشتری‌های مجبور به خریدشان را دارند تا می‌توانند از کیفیت خودروها می‌کاهدند و فشار را در سمت مردم وارد می‌کنند. آش دستپخت این دو معضل بزرگ حمل‌ونقلی ایران چنان شور شده که رئیس پلیس راهور ایران بعد از



فاجعه بهبهان بارها از محصولات تولیدی آنها تحت عنوان «ارابه‌های مرگ» یاد کرده است. ارابه‌های مرگی که با قیمت گزاف و کیفیت پایین سال‌هاست ایرانی‌ها را از داشتن یک خودروی سواری باکیفیت محروم کرده‌اند. کلاف خودروسازی در ایران چنان پیچیده است که هر دولت و وزیر و مجلسی هم که آمده نتوانسته از پس آن برآید. حالا برخی نمایندگان مجلس این تصادف را بهانه‌ای کرده‌اند تا وزیر صمت را استیضاح کنند. اما مسئله این است که به‌جز میزان مسئولیت وزیر چرا عوامل اصلی این بازی چنان بی‌مسئولیت هستند که اصلا به روی خودشان نمی‌آورند چه فاجعه‌ای را رقم زده‌اند. مدیر یکی از خودروسازها بعد از فشار رسانه‌ای ماجرای بهبهان اظهارنظر جالبی داشته. او گفته بازشدن ایربگ به «زاویه برخورد» خودروها بستگی دارد. شما فکروش را بکنید ۵۹ خودرو چنان به هم پیچیده شده‌اند ولی هیچ‌کدامشان «زاویه مورد نظر» خودروسازی ایرانی برای بازشدن ایربگ را نداشته است. او در مرحله بعدی هم سازنده ایربگ‌ها را متهم دانسته و در مجموع حرف‌های فراوانی که زده حتی یک عذرخواهی ساده هم انجام نداده است. نه تسولیتی پذیرفته و نه عذرخواهی کرده. چرا؟ به دلیل اینکه فضای انحصاری و غیرقابتی ایجادشده برای آنها تومهم قدرتی را ایجاد کرده که اصلا نیازی به شنیدن صدای مشتری ندارند. در چنین فضایی استیضاح وزیر مقدر می‌تواند در تغییر رویه آنها مؤثر باشد؟ چیزی که بیشتر از استیضاح وزیر می‌تواند خودروسازها را پاسخ‌گو کند، شکستن فضای انحصاری آنها و ایجاد فضای رقابتی است. یک بار امتحان کنید و ببینید اگر ایران خودرو و سایپا را در فضای رقابتی قرار دهید، بازهم مدیران این خودروسازها به چنین فاجعه‌ای بی‌تفاوت هستند؟ موضوع جالب دیگر تعریف سازوکارهای صوری در ایران است. از حوالی سال ۹۱ نصب ایربگ در خودروهای ایرانی ضروری شد. سازمان استاندارد از آن زمان تاکنون یک آزمایشگاه ساده برای تست ایربگ خودروها و میزان خسارت ناشی از تصادف این خودروها ندارد. آنها صرف نصب ایربگ را دلیلی بر استانداردبودن خودرو می‌دانند. وقتی فقط با استانداردهای امنیتی که قرار است جان مردم را حفظ کند، در حسد کلام و روی کاغذ برخورد می‌کنیم، نتیجه‌ای بهتر از این دارد که ۵۹ خودرو به هم بخورند و حتی یک ایربگ باز نشود؟ زندگی در ایران دیگر با غافلگیری برای ما همراه نیست. اخبار برای ما معمولی است. دیگر کسی از اینکه ۵۹ خودرو به هم بخورند و یک ایربگ باز نشود، تعجب نمی‌کند. دیگر کسی از اینکه این اتفاق بیفتد و یک خودروساز عذرخواهی نکند، تعجب نمی‌کند. دیگر کسی از اینکه همان خودروسازها به‌زودی محصولاتشان را با همان کیفیت گران‌تر بفروشند هم تعجب نمی‌کند.

اتفاق



دبلی‌میل: روبینیو مهاجم سابق تیم ملی فوتبال برزیل به‌دلیل نقش‌داشتن در تجاوز جنسی خشونت‌آمیز در یک کلوب شبانه در سال ۲۰۱۳ به ۹ سال زندان محکوم شد. روبینیو که در آن زمان برای آث‌میلان بازی می‌کرد، در ابتدا در سال ۲۰۱۷ محکوم شد و دو بار درخواست او در دادگاه تجدیدنظر رد شده بود.



یورونوز: تهیه‌کنندگان گزارش مستقلی درباره اذیت و آزارهای جنسی کودکان در کلیسای کاتولیک آلمان به‌شدت از پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر پیشین کاتولیک‌های جهان انتقاد کردند. این گزارش نشان می‌دهد کاردینال یوزف راتسینگر یا همان پاپ بندیکت شانزدهم بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۲ وقتی که اسقف اعظم کلیسای مونیخ بود، درباره چهار گزارش کودک‌آزاری اقدامی نکرده بود.



پولینیکو: دفتر داستانی عمومی برلین از آغاز تحقیقات اختلاس علیه کل هیئت رهبری حزب سبز آلمان از جمله رابرت هابک، معاون صدراعظم و آتالنا بروک، وزیر امور خارجه این کشور به‌دلیل دریافت پاداش‌های ویژه کرونا خبر داد. سخنگوی دفتر داستانی از «طن اولیه اختلاس» مربوط به هیئت ملی حزب سبز آلمان که متشکل از شش شخص است، صحبت کرد.



روایتی: اسپایک لی جایزه یک عمر دستاورد انجمن کارگردانان آمریکا را دریافت خواهد کرد. انجمن کارگردانان، اسپایک لی را به‌عنوان دریافت‌کننده بالاترین افتخار این انجمن معرفی کرد. در بیانیه انجمن از اسپایک لی به‌عنوان یک نماد، شخصیت پیشگام و کسی که چهره سینما را تغییر داده، یاد شده است. آنها نقش لی را غیرقابل‌توصیف دانسته‌اند.

